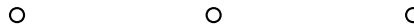


جامعه و تیزهوش

ناصرالدین کاظمی حقیقی

مؤلف در این مقاله اساسی‌ترین مفاهیم روانشناختی و جامعه‌شناختی تیزهوش را بیان می‌دارد. تصور مردم از تیزهوش، مفهوم تیزهوشی و زمینه‌های آن، پراکندگی تیزهوشی در اجتماع، ضرورت اجتماعی کشف و پرورش عمومی، حوزه‌های اساسی اشتغال تیزهوشان، نقش تیزهوش در جامعه، پیامدهای اجتماعی عدم توجه به تیزهوش، انتظارات اجتماعی تیزهوش و سیاستگذاری برای تیزهوش. مؤلف این نکته را مورد تأکید قرار می‌دهد که جامعه در قبال تیزهوش، دو راه اساسی دارد: (۱) شناسایی و جذب و پرورش ویژه (۲) عدم توجه لازم. و سپس به بیان اساسی‌ترین سیاستهای مربوط به تیزهوش می‌پردازد.



تصور مردم از تیزهوش

هر گاه از عموم مردم سؤال شود که تیزهوش و یا فرد نابغه کیست؟ معمولاً با این پاسخها مواجه می‌شویم:
انسانی غیرعادی (فوق‌العاده) در زمینه هوش، فرد عاقل و خردمند، کسی که زیاد مطالعه می‌کند و دارای اطلاعات و معلومات گسترده و عمیقی است، یک کتابخانه متحرک، کسی که بخوبی می‌تواند مسائل مشکل ریاضی، فیزیک و علوم مختلف را حل کند، فردی که می‌تواند به اختراع، اکتشاف و خلاقیت در زمینه‌های گوناگون پردازد، شخصی که همیشه بالاترین نمرات را در کلیه دروس کسب می‌کند، کسی که قادر است به هر سؤالی در هر زمینه‌ای پاسخ درست دهد، کسی که دارای حافظه فوق‌العاده‌ای است و با یکبار دیدن چیزی و یا مطالعه کتابی، کلیه موضوعات و جزئیات آن را بیان می‌دارد، کسی که می‌تواند اعداد چند رقمی را به سرعت در یکدیگر ضرب کند و پاسخ صحیح را بگوید، کسی که قدرت اداره و رهبری گروهی از افراد را دارد و ...

هرگاه این تصورات و دیدگاههای عمومی را جمع‌بندی کنیم، یک فرد تیزهوش از دیدگاه عامه مردم اینگونه است: فردی که از یک خانواده مرفه برخاسته، از کلیه امکانات و تسهیلات زندگی برخوردار است تا جایی که توانسته به این درجه از شایستگیهای هوشی برسد. دارای حافظه نیرومند و هوش سرشاری است در کلیه زمینه‌ها بعنوان یک حل‌المسائل به شمار می‌آید، همیشه و در همه جا موفق است، فردی که با جاه‌طلبی، غرور و تکبر خاص خود از جامعه فاصله می‌گیرد و خود را منزوی می‌سازد به دیگران با دیده تحقیر می‌نگرد، همه باید به او احترام بگذارند، او هیچگونه نیازی به دیگران ندارد و خود به‌خوبی می‌تواند کلیه مسایل تحصیلی، شغلی و امور زندگی خویش را حل و فصل نماید. کافی است در زمینه‌ای اراده کند تا سریعاً به موفقیت نایل شود، و به‌طور کلی در تمامی زمینه‌ها، تافته‌ای جدا بافته است.

این آمیزه نگرشی، تصور کلی غالب مردم را درباره یک فرد تیزهوش تشکیل می‌دهد طبعاً این اعتقاد، پیامدهایی از جنبه‌های عاطفی، ارزشی، رفتاری خواهد داشت. به بیان دیگر، برداشت فوق، اقتضا می‌کند که جامعه، انتظارات و توقعات ویژه، برخورد و رابطه‌ای خاص در قبال یک تیزهوش داشته باشد.

توقعات فوق‌العاده و فراوان، عدم پذیرش در اجتماع خود، جدا سازی و تفکیک او، گاهی حسادت و کینه‌ورزی و تحقیر و سرزنش، بی‌اعتنایی و منزوی ساختن او، احساس نوعی ترس و وحشت از او، عدم اعتماد، سوء ظن، رد و منکوب ساختن اعمال و فعالیتهايش و به‌طور کلی ایجاد محیطی خصمانه، تهدیدآمیز و طردکننده، پیامد طبیعی نگرش جامعه نسبت به تیزهوش است.

وجود ابهامات دیگری، به تشدید نگرش فوق، دامن می‌زند:
 - هزینه‌های مالی جامعه مصروف دانش‌آموزان و افرادی می‌شود که در واقع نیاز کمی به کمک ویژه دارند.
 - آنها، بدون یاری دیگران می‌توانند به مشاغل و حرفه‌های مثبت و مفید اجتماعی دست یابند.
 - یک تیزهوش، فردی است که در محیط تحصیلی خویش از رفاه کامل و تسهیلات آموزشی و پرورشی وسیع و فراوان برخوردار است.

- تیزهوشان جامعه نیز مانند هر فرد دیگری در قبال منابع و امکانات اجتماعی مساوی و یکسان هستند، لذا نباید از امکانات و تسهیلات و امتیازات خاصی برخوردار باشند زیرا در غیر این صورت با اصل مساوات و عدالت اجتماعی تباین خواهد داشت.
 - این افراد برجسته و نابغه، برای سایر مردم، تهدید کننده بوده و موقعیت، اعتبار و پیشرفتهای افراد عادی را به مخاطره می‌اندازند و جای آنها را میگیرند.

از سوء تفاهمات اساسی که معمولاً در میان مردم درباره تیزهوش وجود دارد عدم تمایز دو مفهوم «عقل» و «هوش» می‌باشد. بدین معنا که فرد تیزهوش بعنوان انسانی عاقل و خردمند انگاشته می‌شود که از لحاظ روانی، اخلاقی، نظام ارزشی، شخصی صاحب فضایل، شایستگی و پیراستگی است. بطوریکه به سهولت می‌تواند زندگی طبیعی خویش را اداره کند و در مسیر و خط مشی زندگی خود دچار کمترین لغزش، خطا و مشکل اخلاقی، اعتقادی، رفتاری و ارزشی نمی‌شود. بعبارت دیگر، «هوش»، برای یک زندگی سالم و موفقیت آمیز، کافی است. شاید به نوعی این ابهام شدید حتی برای یک شخص تیزهوش نیز به چشم بخورد بدون اینکه خود به آن وقوف کامل داشته باشد؛ آنگاه به توانمندیهای فوق‌العاده شخصی در تمامی امور و تعیین خط‌مشی زندگی بدون احساس نیاز به غیر خود.

بدون هیچ تردیدی، ضروری است که این نگرش اجتماعی نسبت به تیزهوش، اصلاح شود، و گرنه حداقل پیامد منفی برداشت مزبور، محرومیت شدید جامعه از تواناییها و قابلیت‌های این قشر خاص خواهد بود. و از سوی دیگر به انزوای مخاطره آمیز و هلاکت آور فاجعه انگیزی برای فرد تیزهوش میانجامد.

مفهوم تیزهوشی و زمینه های آن

با توجه به سوء تفاهمات جامعه درباره تیزهوش، ضروری است بیان کوتاهی درباره مفهوم هوش، تیزهوشی و زمینه‌های گوناگون تیزهوشی داشته باشیم.

روان‌شناسان و نظریه پردازان علیرغم تعاریف گوناگون از هوش، در این نکته که هوش، «توانایی شناخت» است، اجماع و تفاهم اساسی دارند. به بیان دیگر، کلیه تعاریف موجود، دیدگاهها و حتی سازه‌های روان‌سنجی بعنوان ملاک سنجش و تدوین آزمون‌های هوشی، در این مفهوم یعنی «توانایی شناخت» وجه اشتراک دارند. بر این اساس، تیزهوش، کسی است که از قابلیت درک و شناخت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

هوش بعنوان ابزار شناخت، یادگیری و درک مانند هر ابزار و وسیله دیگری مستلزم هیچگونه جهت‌گیری خاص (منفی یا مثبت) از لحاظ اخلاقی، ارزشی و اعتقادی و شخصیتی نیست. معهذایستی در همین جا تأکید کنیم که تیزهوشی بعنوان یک اصطلاح، شامل حیطه‌ای گسترده از ابعاد شخصیتی، روانی، رفتاری، انگیزشی، ذهنی و حرکتی ویژه‌ای است که در یک شخص تیزهوش وجود دارد. یعنی تیزهوشی به عنوان یک اصطلاح (و نه یک واژه) مورد نظر است. به تعبیر دیگر، یک فرد تیزهوش نه تنها از لحاظ تواناییهای شناختی و ذهنی، برجستگی دارد بلکه از شخصیت، نیازها، عقاید، الگوهای رفتاری و حتی خصایص جسمی و حرکتی ویژه‌ای برخوردار است که او را از افراد غیر تیزهوش متمایز می‌سازد.

ویژگیهای مزبور، حتی در افراد تیزهوش و در سطوح مختلف هوشی نیز دارای تفاوت است. یعنی در مقوله وسیع تیزهوشی، طبقه بندی شخصیتی و تفاوت‌های فردی مشهود است. این طبقه‌ها را می‌توان بعنوان زمینه‌های تیزهوشی بشمار آورد. اساسی

ترین زمینه‌های تیزهوشی را می‌توان اینگونه بر شمرد:

۱- قدرت رهبری ۲- توانایی و مهارت اجتماعی ۳- قدرت ارتباطات و قابلیت کلامی ۴- موفقیت تحصیلی و پیشرفت کلی در یادگیری ۵- خلاقیت و آفرینندگی (هنر، فن، ادبیات، علوم، ریاضی) ۶- توانایی‌های برجسته جسمی و حرکتی.

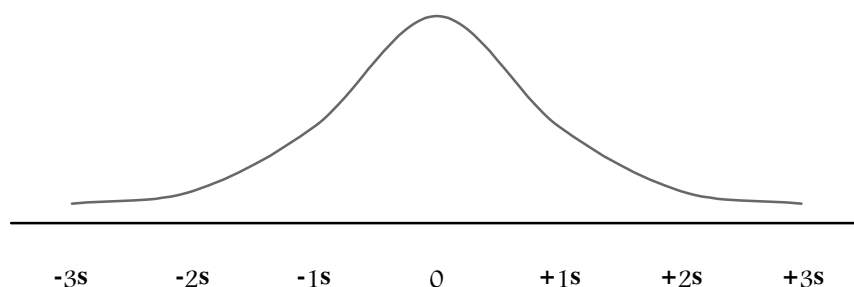
این زمینه‌ها در حوزه تیزهوشان آنچنان متنوع و گسترده هستند که اصولاً می‌توان بیان داشت: تفاوت‌های تیزهوشان از شباهت‌های آنها بیشتر است. حتی گستره تفاوت‌های فردی میان تیزهوشان در یک زمینه نیز به نحو بارزی، مشهود است مثلاً در زمینه خلاقیت هنری و یا قدرت رهبری انواع فرعی تر نیز وجود دارد که قابل طبقه‌بندی علمی روان‌شناختی است.

سخن کوتاه اینکه، تیزهوش دارای شخصیتی ویژه خود بوده و در میان افراد تیزهوش نیز انواع و گونه‌های فراوان و متنوعی وجود دارد.

پراکندگی تیزهوشی در اجتماع

آیا تیزهوشان منحصراً در طبقه اجتماعی خاصی وجود دارند؟ آیا جنسیت با تیزهوشی ارتباط دارد؟ آیا در میان طبقات تحصیله‌کرده، تیزهوشان بیشتری می‌توان یافت؟ و بالاخره آیا وضعیت تیزهوشان در طبقات شغلی گوناگون، تفاوت دارد؟

کلیه پژوهش‌های روان‌شناختی در زمینه هوش و تیزهوشی نشان می‌دهد که گستره هوشی در جامعه بشری دارای توزیع طبیعی به صورت منحنی زیر است:



هرگاه جمعیت جهان را تا سال ۲۰۰۰ میلادی، ۶ میلیارد نفر بشمار آوریم، براساس این منحنی می‌توان بیان داشت: حدود ۱۳٪ جمعیت یعنی ۸۷۰ میلیون نفر از هوش پایینی برخوردارند و بطور کلی قادر به تحصیلات در سطح ابتدایی می‌باشند.

حدود ۶۸٪ افراد بشر یعنی ۴،۰۸۰،۰۰۰،۰۰۰ نفر (چهار میلیارد و هشتاد میلیون نفر) از هوش‌بهری میان ۸۵ تا ۱۱۵ برخوردار می‌باشند یعنی از لحاظ هوشی، افراد عادی و متوسطی محسوب می‌شوند. این افراد، غالباً با حدود تحصیلات متوسطه‌ای که دارند مشاغل و حرفه‌هایی با مهارت کم را در جامعه بشری بر عهده می‌گیرند. کشاورزان، کارگران، کارکنان غیر ماهر، و نیمه ماهر در حوزه‌های علمی و خدماتی و امور فنی ساده، در این بخش عظیم اجتماعی جای می‌گیرند. عده بسیار کمی از این توده بزرگ، قادر به انجام تحصیلات عالی و نیل به مهارت‌های فوق‌العاده می‌باشند. در واقع این بخش بزرگ اجتماعی، بازوی عملی و اجرایی جامعه بشری را تشکیل می‌دهد.

حدود ۳٪ یا ۱۸۰ میلیون نفر از این افراد دچار نوعی عقب ماندگی ذهنی (با هوش‌بهر زیر ۷۰) هستند. این انسانهای محروم ذهنی، در صورت وجود بهترین شرایط تحصیلی و زندگی قادر خواهند بود به مشاغل بسیار ساده‌ای در اجتماع دست یابند. مشروط بر اینکه این مشاغل جنبه تکراری و ساده‌ای داشته باشند (مانند پادویی) از لحاظ سطح تحصیلات، می‌توانند حداکثر در حد خواندن و نوشتن و جمع و تفریق ساده پیشرفت نمایند. مسایلی مانند تاریخ، جغرافی، وقایع سیاسی و حوادث روز برای آنها

جالب نیستند. اما هرگز قادر نخواهند بود که امور شخصی و زندگی خویش را اداره نمایند و در واقع مانند یک کودک باید مورد مراقبت کامل قرار گیرند.

- قریب ۱۳٪ یا ۸۷۰ میلیون نفر از این جمعیت، در طیف افراد مستعد و باهوش (با هوشبهر ۱۱۵ تا ۱۳۰) جای می‌گیرند. آنها می‌توانند به تحصیلات عالی و دانشگاهی راه یابند و مدارجی را کسب کنند. کارگران و کارکنان ماهر و متخصص در زمینه‌های گوناگون هم در این طیف واقع می‌شوند.

- تقریباً ۳٪ افراد بشر دارای هوشبهر بالای ۱۳۰ بوده که معادل ۱۸۰ میلیون نفر در سطح جهانی می‌شود. این طیف شامل افراد هوشمند (۱۴۰ تا ۱۳۰)، تیزهوش (۱۶۰ تا ۱۴۰) و نابغه (۱۶۰ به بالا) می‌گردد. طیف مزبور دارای طبقه‌بندی فرعیتری نیز می‌باشد:

هرگاه آستانه تیزهوشی را هوشبهر ۱۴۰ بدانیم بیش از ۳۶ نفر از افراد بشر را تیزهوشان و نوابغ تشکیل می‌دهند که از این عده، ۶۰۰ هزار نفر در حوزه نبوغ قرار می‌گیرند.

بدلائل گوناگون و از جمله نقایصی عمده در نظام جهانی آموزش و پرورش، قسمت بسیار اندکی از این قشر عظیم ۳۶ میلیونی، به مرز کارآیی و اثربخشی اجتماعی رسیده‌اند. براساس آمارهای سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ حدود ۶۶۰ هزار محقق، پژوهشگر و نظریه پرداز در سطوح عالی در کلیه رشته‌ها و شاخه‌های علمی، فنی، صنعتی و ... مشغول بکار می‌باشند.

هوشبهر	نسبت	جمعیت (به میلیون)
۱۲۰	یازده درصد	۶۶۰
۱۲۴	هفت درصد	۴۲۰
۱۲۸	چهار درصد	۲۴۰
۱۳۰	سه درصد	۱۸۰
۱۳۲	دو درصد	۱۲۰
۱۳۶	یک درصد	۶۰
۱۴۰	شش در هزار	۳۶
۱۴۴	سه در هزار	۱۸
۱۴۸	یک در هزار	۶
۱۵۲	شش درده هزار	۳/۶
۱۵۶	دو در ده هزار	۱/۲
۱۶۰ به بالا	یک درده هزار	۰/۶

از این میان، ۷۵٪ یعنی ۴۴۰ هزار نفر در صنایع و علوم و پژوهشهای مربوط به تسلیحات دفاعی و نظامی اشتغال دارند و مابقی یعنی حدود ۲۲۰ هزار نفر، رهبری فکری، علمی، فنی و صنعتی، هنری، ادبی جهان امروز را بر عهده دارند و کاروانسالاران علم و قدرت و تمدن بشری را تشکیل می‌دهند. هرگاه سهم این تعداد (۶۶۰ هزار نفر) را از کل تیزهوشان (۳۶ میلیون) محاسبه نماییم حدود ۲ درصد خواهد شد. به بیان دیگر، جهان امروز از قابلیت، توانایی و قدرت ۹۸٪ تیزهوشان جهان محروم است. هرگاه شرایط مشروع، اثر بخشی و کارآیی کلیه تیزهوشان جهان تحقق یابد بی تردید چهره جهان با وضعیت کنونی متفاوت خواهد شد.

قدرتهای کنونی جهان، سعی فراوانی را در جذب و بهره‌گیری از تیزهوشان موجود دارند. این پدیده تحت عنوان شکار مغزها (brain drain) نامیده می‌شود.

در طول تاریخ حیات بشری، کم و بیش فرار و شکار مغزها وجود داشته است. در حدود ۳۰۰ سال قبل از میلاد مهاجرت نخبگان یونانی به اسکندریه، ثبت شده است. اما پس از جنگ جهانی دوم این امر، دامنه گسترده تر و عمیقی یافته است. از اوایل ۱۹۶۰ تا دهه ۱۹۷۰ بیش از ۴۰۰ هزار تن از پزشکان، جراحان، مهندسان، دانشمندان و سایر افراد ماهر از کشورهای در حال توسعه به جوامع توسعه یافته مهاجرت نموده‌اند. این مهاجران، عمدتاً از هند، پاکستان، فیلیپین، و سریلانکا به ایالات متحده

آمریکا، کانادا، انگلستان و دیگر نقاط اروپای غربی و استرالیا نقل مکان کرده اند. فقط در سالهای میان ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۶ حدود ۶۸ هزار نفر از افراد دارای تحصیلات عالی به دو کشور آمریکا و انگلستان (یعنی مهمترین کشورهایی که از اندیشمندان و دانشمندان ممالک دیگر استفاده می کنند) وارد شده اند. این حرکت یک سویه (یعنی صرفاً از سوی کشورهای جهان سوم به جهان صنعتی توسعه یافته و نه برعکس) به دلایل گوناگونی صورت می پذیرد:

۱- تباین و نابرابری میان میزان معلومات بعضی از محققان و نیازهای کشورشان به این معلومات.

۲- تضاد دستمزد میان جهان سوم و جهان صنعتی.

۳- وجود تسهیلات و امکانات پیشرفت و رشد علمی و فنی بیشتر در جهان صنعتی.

۴- امنیت بیشتر شغلی و زندگی در جهان صنعتی.

این مهاجرت و یا جذب مغزها و نخبگان، نتایج متعددی دارد:

۱- اختلال شدید در توزیع طبیعی تیزهوشان و نوابغ در سطح جهان و ایجاد تمرکز جغرافیایی در ممالک صنعتی.

۲ - استفاده از نیروهای انسانی فوق العاده، ماهر و آموزش دیده در ممالک صنعتی بدون صرف مبالغ هنگفت برای آموزش و کارآموزی.

۳- اتلاف منابع ثروت جهان سوم از لحاظ نزول کیفیت ظرفیت انسانی (زیان سالانه حدود ۲۰۰ تا ۴۰۰ میلیون دلار برای جهان سوم) و ضایع شدن هزینه پرورش مغزها در جهان سوم.

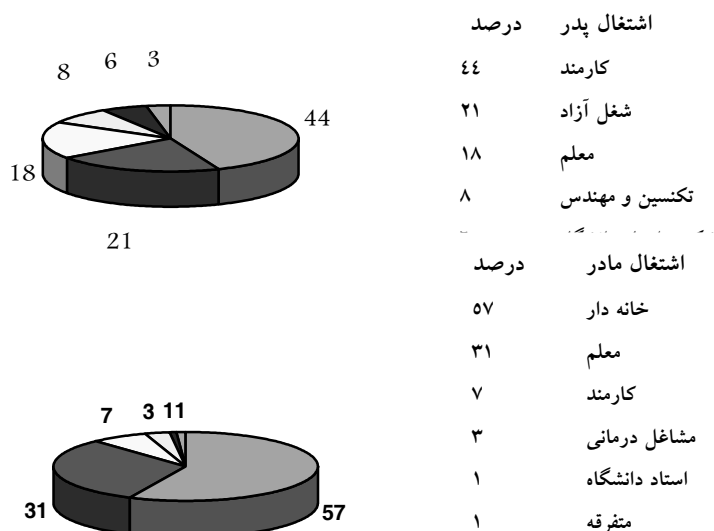
۴- دگرگونی در توزیع اشتغال در سطح جهانی (رشد مشاغل خدماتی در جهان سوم و مشاغل تولیدی در جهان صنعتی).

پراکندگی جنسی

از لحاظ جنسیت، تفاوت هوشی مهمی وجود ندارد. به طور کلی هوشبهر متوسط مردان و زنان به ترتیب ۱۰۱/۳ و ۹۹ /۷ می باشد که این اختلاف قابل اهمیت نیست. اما در حیطه های فرعی هوشی، تفاوت هایی میان دو جنس وجود دارد. یعنی در مهارت های کلامی و برخی قابلیت های اجتماعی و ارتباطاتی، جنس مؤنث و در زمینه تفکر انتزاعی و تجسم فضایی و ریاضی، جنس مذکر برتری نشان می دهد.

پراکندگی شغلی والدین

به طور کلی براساس یک مطالعه نمونه ای بر روی جامعه تیزهوشان کشور، پراکندگی تیزهوش از لحاظ اشتغال پدر و مادر چنین توزیعی دارد:



پراکندگی تحصیلی والدین

براساس مطالعه مزبور، توزیع سطح تحصیلات والدین بگونه زیر است:

تحصیلات پدر	تحصیلات مادر
بیسواد	۷
ابتدایی	۲۰
سیکل	۷
دیپلم	۳۲
فوق دیپلم	۱۷
لیسانس	۱۴
فوق لیسانس	۲
دکتری	۱

ضرورت اجتماعی کشف و پرورش تیزهوش

کشوری که به تعالی، توسعه، بقا، امنیت، هویت و حیثیت جهانی خود اهمیت می‌دهد، فضیلتی را پی می‌گیرد که زمینه‌های آن را وجود منابع انسانی غنی، پایه ریزی می‌نماید. توجه به منابع انسانی و توسعه آن، مستلزم عنایت ویژه به استعدادها و نیروهای درخشان و نخبگان جامعه است.

در واقع تواناییهای سرشار و قابلیت‌های غنی تیزهوشان است که برای مسائل عمده بشری در سطح جهانی پاسخ مناسب می‌یابد و موجب پیشرفتهای وسیع و فراگیر علمی، تکنولوژیکی، هنر، فرهنگی و ادبی می‌گردد. و راهگشاییهایی را برای معضلات پیچیده در زمینه‌هایی مانند حفظ محیط زیست، حقوق بشر، تسلیحات هسته‌ای، انرژی، بازرگانی و تجارت جهانی و ... ارائه می‌دهد.

گستره توجه به تیزهوش، آنچنان افزایش یافته که هر کشور در حال رشدی (در جهان سوم) که امید و تصور حداقل توسعه را در سر می‌پروراند، بنوعی، خویش را در این کاروان جهانی جنبش استعداد‌های درخشان و نخبگان جای داده است. جدایی از این کاروان، برابر با عقب ماندگی تصاعدی از توسعه جهانی است.

کنگره ایالات متحده، به عنوان اساسی‌ترین مرجع قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری مملکتی، در یک بیانیه، ملاحظات مربوط به تیزهوش را اینگونه مورد تأکید قرار می‌دهد:

۱- تیزهوشان، عظیم‌ترین منبع ملی برای حل مسایل غامض مملکتی در حوزه امور ملی محسوب می‌شوند.

۲- اگر بگونه‌ای مناسب، تواناییهای ویژه کودکان تیزهوش و مستعد در طی سالیان مقاطع تحصیلی ابتدایی و متوسطه، توسعه نیابد، قابلیت‌های اختصاصی آنها برای اعانت به ملت ممکن است از بین برود.

۳- کودکان تیزهوش و مستعد از خانواده‌ها و نواحی محروم اقتصادی، غالباً موقعیت مناسبی برای پیشرفت تعالی تواناییهای ویژه و ارزشمند خویش نمی‌یابند و این امر به خدمات پرورشی نامتناسب ارتباط دارد.

در پی این تأکید و تصمیم‌گیری ملی، نه تنها غنی‌ترین و قدرتمندترین نظام پرورشی موجود در جهان برای تیزهوشان آمریکا شکل داده شد بلکه به طرق گوناگون به کشف و جذب استعداد‌های درخشان و نخبگان سایر نقاط جهان مبادرت گردید.

امروز کسی تردیدی در این امر ندارد که پایه‌های مستحکم تعالی مادی، قدرت جهانی، رفاه ملی و اعتبار بین‌المللی ایالات متحده، نخبگان و تیزهوشان این کشور می‌باشند. این پیشرفتهای گسترده و فراگیر مادی، همچنین شکی برای سایر ممالک صنعتی و در حال توسعه باقی نمی‌گذارد که عنایت ویژه به منابع انسانی درخشان و نخبه، زمینه ساز چنین توسعه مادی و صنعتی است.

در واقع ضرورت و لزوم توجه به استعدادهای درخشان به نقش و موقعیت اجتماعی آنها مربوط می‌شود. یکی از شاخص‌های اصولی در هویت اجتماعی تیزهوشان مشاغلی است که آنها در صحنه جامعه پی میگیرند. براساس یک مطالعه طولی ۳۰ ساله بوسیله یکی از دانشگاه‌های ایالات متحده بر روی بیش از ۷۲۴ تیزهوش، ۶۳٪ مردان تیزهوش به ترتیب در حرفه های زیر فعالیت نموده اند:

۱- حقوقدان	۱۰٪
۲- کارکنان عالی‌رتبه اداری و اجرایی	۹٪
۳- اعضای هیات علمی دانشگاه	۸٪
۴- مهندس	۷٪
۵- فیزیکدان	۶٪
۶- صاحبان صنایع و تجارت	۵٪
۷- روزنامه نگار و ناشر	۴٪
۸- شیمیدان	۴٪
۹- معلم	۴٪
۱۰- مشاغل مالی	۳٪
۱۱- فروشنده و مشاغل آزاد	۳٪

مشاغل فوق نه تنها مثبت ترین و مؤثرترین فعالیتهای اجتماعی بشمار می‌آیند بلکه اهمیت حرفه‌ای هر یک از آنها، اقتضای نوعی تخصص و مهارت ویژه همراه با قابلیت هوشی و ذهنی برجسته و فوق‌العاده می‌نماید که این تخصص و خبرگی، صرفاً در میان افراد تیزهوش (و نه سایر افراد جامعه) به ودیعه نهاده شده است.

هرگاه تلفیق چنین قابلیت ذاتی را با مشاغل ذریبط، مورد لحاظ قرار دهیم بدون کمترین شکی به پیامدها و دستاوردهای مثبت و شکوهمند این تلفیق در سطح آن جامعه یا کشور پی خواهیم برد.

- وجود ۱۰٪ حقوقدان نخبه و تیزهوش به عنوان مراجعی قانونگذار، تصمیم گیرنده استراتژیک، و سیاستگذار منجر به ایجاد یک نظام قدرتمند شده، پایه‌های حکومتی و رهبری توسعه فراگیر را بنحوی پویا و فعال فراهم می‌آورد.

- وجود ۹٪ مدیر اداری و اجرایی تیزهوش و نخبه در نظام اداری دولتی یک کشور، موجب پدید آیی نوعی دیوان سالاری نیرومند، کارآمد، و مؤثر خواهد شد که مورد غبطه هر نظام اداری دولتی در سطح جهان است.

- وجود ۸٪ استاد تیزهوش و نخبه دانشگاه که قطعاً دارای عالیترین مدارج علمی و پژوهشی و فنی می‌باشند کاروان علم و دانش را به سوی ترقی و تعالی، به پیش می‌رانند و به نظام آموزشی عالی هر جامعه ای، غنایی شگرف می‌بخشد، منابع انسانی لازم در تمامی زمینه‌های اجتماعی که از شایستگی و صلاحیت مطلوب برخوردارند، عرضه می‌دارد و اساساً شاخص محوری یک نظام آموزش عالی است. بدون وجود چنین رهبران دانشگاهی، نیرومندترین و مجهزترین منابع مادی و تسهیلات آموزشی، شایق‌ترین دانشجویان و دانش پژوهان و معتبرترین سیاست گذارها و آرمانهای علمی و آموزشی، صرفاً عوامل ناقص و بیهوده خواهند بود.

- وجود ۷٪ مهندس تیزهوش، سبب تعالی صنعتی و عمرانی جامعه است و کسی تردیدی در ضرورت چنین فعالیتی ندارد.

- وجود ۱۰٪ فیزیکدان و شیمیدان تیزهوش، علاوه بر توسعه علمی و پژوهشی در زمینه‌های گوناگون، مبانی پیشرفتهای صنعتی و فنی را در صحنه اجتماعی پدید می‌آورد.

- وجود ۸٪ صاحبان صنایع، تجارت و منابع مالی موجب پویایی نظام اقتصادی و توسعه مالی و صنعتی جامعه می‌گردد، و بی

تردید چنین توسعه‌ای، به رفاه عمومی بیش از پیش شهروندان یک جامعه می‌انجامد.
 - وجود ۴٪ روزنامه نگار، ناشر و نویسنده، منجر به تعالی و گسترش فرهنگی و افکار عمومی شده و این پویایی طبعاً در ارتباط با سایر عوامل پیشرفت اجتماعی است.

حوزه‌های اساسی در اشتغال مردان تیزهوش

فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی (اداری) سه قلمرو اساسی مشاغل مردان تیزهوش است.

الف - حوزه اقتصادی

این حوزه با ۴۵٪ بالاترین حیطه شغلی مردان تیزهوش را تشکیل می‌دهد:

صد	درصد	
۲	۷	رگران ماهر
۱	۵	باغل بیمه
۱	۳	بران صنفی کوچک
۱	۲	مندان تجاری
۱۹	۱	رقه
	۳	ندگی

ب - حوزه فرهنگی

در حدود ۳۲٪ مردان تیزهوش در این حوزه اشتغال می‌یابند:

درصد	شغل	درصد	شغل
۱	آرشیست	۸	استاد دانشگاه
۱	روحانی	۶	فیزیکدان
۱	هنرمند (طراح)	۴	شیمیدان
۱	موسیقیدان	۴	روزنامه نگار، ناشر
۲	امورادبو و تلویزیون	۴	معلم

ج - حوزه سیاسی

بیش از ۲۳٪ از مردان تیزهوش، مشاغل سیاسی و اداری و امور رهبری مربوط به جامعه را پی می‌گیرند:

درصد	شغل	درصد	شغل
۱	خدمات عمومرفاهی	۱۰	حقوقدان
۱	اقتصاددان	۹	کارکنان اداری
		۲	خدمات اجتماعی

مشاغل زنان تیزهوش

زنان تیزهوش معمولاً، مشاغل زیر را پی می‌گیرند:

خانه دار ۵۲٪

مقایسه شغلی تیزهوشان با افرادی عادی

براساس مطالعه مزبور بر روی ۷۲۴ تیزهوش و ۱،۸۷۸،۵۵۹ فرد عادی، مشخص گردید که تفاوت مهم و معنی‌داری در اشتغال تیزهوشان و افراد عادی وجود دارد. این مقایسه یافته‌های زیر را ارائه می‌دهد:

شغلی	ش
مشاغل تخصصی	
مشاغل عالی و نیمه تخصصی	
مشاغل دفتری، مهارت‌های سنتی و خرد	
- مشاغل کشاورزی و زراعی	
مشاغل زیر تخصص و امور دون پایه	
مشاغل با مهارت بسیار پایین و بدون آموزش	
هفت - کارگران روز مزد	

براساس یافته‌های جدول فوق، می‌توان بسادگی استنباط نمود که در جامعه، برخی مشاغل تخصصی مانند استادی دانشگاه، تخصص در فیزیک، شیمی، حقوق، تعلیم و تربیت، مهندسی، نویسندگی و روزنامه نگاری وجود دارد که فقط ۶٪ از افراد عادی از عهده آنها بر می‌آیند و در عوض ۴۵٪ تیزهوشان قادر هستند به شایستگی، مشاغل مزبور را به‌عهده گیرند. چنانچه ۲ حوزه بسیار مهم بالای جدول (یک و دو) را جمع بندی نماییم برتری قابل ملاحظه تیزهوشان، محرز می‌گردد. (۷۱٪ تیزهوشان در برابر ۱۴٪ افراد عادی) یعنی شایستگی‌های مزبور، صرفاً در میان افراد تیزهوش یافت می‌شود. باید بیان داشت که اصولاً مشاغل مزبور، ستون حیاتی رهبری اجتماعی و محور اساسی تمایز جوامع صنعتی پیشرفته، مرفه و قدرتمند با جوامع سنتی و عقب مانده (جهان سوم) را تشکیل می‌دهند. هرگاه جمعیت افراد عادی (بیش از ۷۰٪) و تیزهوشان (حدود ۶ هزار) را در نظر بگیریم مفهوم حضور ۱۴٪ از افراد عادی و ۷۱٪ از تیزهوشان، بخوبی مبرهن می‌شود. در پایین جدول (مشاغل شش و هفت)، یافته‌ها معکوس است یعنی در مشاغلی که به تخصص و آموزش نیازی ندارند فقط ۱٪ تیزهوشان فعالیت می‌نمایند در حالیکه ۱۸٪ افراد عادی در این حوزه شغلی، اشتغال دارند. در یک جمع بندی کلی از مشاغل با تخصص کم و یا بدون مهارت می‌توان دریافت که بیش از ۵۲٪ افراد عادی فقط قادرند به مشاغل پایین اجتماعی بپردازند در حالیکه فقط ۸٪ تیزهوشان به این فعالیتها روی می‌آورند و ۹۲٪ آنها در مشاغل و مسؤولیت‌های عالی و حیاتی اجتماعی فعالیت می‌نمایند.

نقش تیزهوش در جامعه

وجود استعدادهای درخشان و نخبگان در اجتماع آثار مثبت فراوانی دارد که به مهمترین آنها اشاره می‌شود:

۱- نقش تیزهوش در فعالیتهای اجتماعی

براساس یک مطالعه در ایالات متحده، بیش از ۹۷٪ تیزهوشان تقریباً در کلیه فعالیتهای سیاسی و اجتماعی از قبیل انتخابات شهری، ایالتی و کشوری شرکت می‌کنند و به نمایندگان مورد نظر خود رأی می‌دهند و فقط ۳٪ در اینگونه انتخابات هیچگونه مشارکتی ندارند. چنین آماری گویای حساسیت فوق‌العاده تیزهوشان نسبت به مسایل و حوادث اجتماعی است. یعنی تیزهوشان در کلیه فعالیتهای حیاتی جامعه خود نقش فعالی بر عهده دارند.

۲- نقش تیزهوش در توسعه اقتصادی

یک فرد تیزهوش به علت نیازی که در وی وجود دارد منشأ تحولات مثبت اجتماعی و توسعه اقتصادی می‌گردد که بالمآل موجب رفاه جامعه می‌شود. این نیاز حیاتی در تیزهوش نیاز به پیشرفت و ترقی است که بیش از فرد عادی می‌باشد. تاریخ حیات بشری، آکنده از نمونه‌هایی برجسته از نقش ترقی طلبی و پیشرفت‌گرایی در توسعه اجتماعی و رفاه مادی است جامعه‌ای را تصور کنیم که متشکل از افرادی با انگیزه نیرومند ترقی، پیشرفت و موفقیت است توسعه اجتماعی این جامعه امری مسلم خواهد بود.

۳- نقش تیزهوش در رهبری و سیاستگذاری مملکتی

از ویژگی‌های تیزهوشان، اخذ تصمیم بطور مستقل است که در کنار قدرت رهبری (که در برخی از آنها وجود دارد) تمایزی برای آنها از افراد عادی بوجود می‌آورد. این توانمندیها در سطح اجتماعی بسیار شگرف و قابل ملاحظه است. در شرایطی که جامعه‌ای از مشکلاتی حاد و معطلاتی پیچیده رنج می‌برد و بسادگی نمی‌توان برای آن راه حل و چاره‌ای اندیشید، در اینجا قدرت تصمیم‌گیری یک تیزهوش در مشکل‌گشایی بخوبی احساس می‌شود.

۴- نقش تیزهوش در امنیت، ثبات و بقای اجتماعی

بزعم برخی از صاحب نظران علمی پژوهشی، امنیت داخلی و خارجی یک جامعه، بسته به قدرت و توان دفاعی و امکانات تسلیحاتی آن است. بیش از ۷۵٪ پژوهشگران بسیار برجسته در سطح جهان، (معادل ۴۴۰ هزار نفر) در امور دفاعی و نظامی مشغول به فعالیت می‌باشند. بدون هیچ تردیدی این گروه از جمله تیزهوشان محسوب می‌شوند. زرادخانه‌های سنتی هسته‌ای، شیمیایی و... مرهون وجود چنین افرادی در جهان است.

در حالیکه شاخص ابر قدرتی در حیطه نظامی، قدرت و توان هسته‌ای است نقش تیزهوشان در قدرت نظامی مآلاً تأمین امنیت و حیات جهانی، مبرهن می‌گردد.

اکنون ۵ کشور بزرگ نظامی یعنی امریکا، روسیه فدراتیو، فرانسه، انگلیسی و ایتالیا به عنوان مهمترین صادر کنندگان تسلیحات به سراسر جهان می‌باشند (با تأمین حدود ۷۰٪ تسلیحات جهانی) این توان صدور تسلیحاتی نه تنها برای کشورهای مزبور موقعیت مستحکم دفاعی و امنیتی فراهم می‌آورد بلکه با ارزش سرشار ناشی از آن، کم و بیش توسعه‌ای کم نظیر ایجاد نموده و علاوه بر آن در تأمین امنیت و حیات بشری در صحنه جهانی نقشی تعیین کننده و تصمیم گیرنده به آنها می‌دهد. به عبارت دیگر این کشورها در سرنوشت ۶ میلیارد بشر، دخالت دارند. تمامی این پیشرفت‌ها و قدرتهای جهانی مرهون وجود تیزهوش است.

۵- نقش تیزهوش در تعالی فرهنگی

در جای جای تاریخ بشری در هرگونه درخشش فرهنگی، هنری، ادبی و علمی، اثر و علامتی از جای پای افراد تیزهوش و نخبه دیده می‌شود. پیشرفت و توسعه علمی و شناختی و فرهنگی را در طی قرون متمادی، افراد عادی و عقب ماندگان ذهنی پدید نیاورده اند. تیزهوش سهمی حیاتی و تعیین کننده در تمدن بشری داشته و دارد. از دوران تمدنهای درخشان آسیایی نظیر چین، هند و ایران تا ظهور عصر طلایی یونان (پریکلس) و تمدن بی نظیر و بی همتای اسلامی که شعاع کوچکی از آن، رنسانس را آفرید، رد پاهایی از تیزهوشان و نخبگان دیده می‌شود و امروزه نیز تطور عصر تکنولوژی درخشان (قرن بیستم) مرهون وجود نخبگان زمان است.

۶- نقش تیزهوش در حیثیت جهانی ممالک

برای یک جامعه وجود تیزهوش با درخششهای متعاقب آن، در صحنه جهانی، موجب سرافرازی، عزت، حرمت و اعتبار است. این امر نه تنها برای یک جامعه بلکه برای یک فرهنگ نیز صادق است. به عنوان مثال فرهنگ و تمدن اسلامی نه تنها با وجود چنین نخبگانی شکل گرفت و توسعه یافت بلکه افتخار و سرافرازی برای آحاد امت اسلامی در سطح جهان ایجاد نموده

است. وجود هزاران متفکر، اندیشمند، و صاحب حکمت و معرفت، ریاضیدان، منجم، شیمیدان، طیب، مورخ، ادیب، هنرمند و هنر آفرین که ریزه‌خوار سفره مکتب الهی اسلام بوده‌اند برای هر ملت و جامعه‌ای موجب عزت و شرف است و هر ملتی در پهنه گیتی چنین غبطه‌ای می‌خورد و آرزومند چنین درخشش تاریخی است. و این در شرایطی است که بسیاری از تمدنهای فعلی و تاریخی، اشعه‌ای کوچک از تمدن الهی اسلام بوده و هستند و این در شرایطی است که بسیاری از کشورهای قدرتمند و فرا صنعتی و ابر قدرت اجتماعی، اقتصادی سیاسی و نظامی از چنین تمدن و تاریخی کمترین بهره‌ای ندارند و اکنون تمامی مساعی و قابلیت‌های خویش را برای دستیابی به تمدنی مانند آن مصروف میدارند.

۷- نقش تیزهوش در مرجعیت جهانی

تمامی عواملی که تاکنون بیان داشتیم در کنار یکدیگر موجب خصیصه‌ای بسیار قابل ملاحظه و شگرف می‌شود این ویژگی را «مرجعیت جهانی» می‌نامیم. بدین معنا که یک کشور به عنوان الگو، اسوه و مرجعی برای پیروزی و تقلید سایر ممالک قرار گرفته تمامی کنشها و فعالیتها، عقاید، افکار، اندیشه‌ها، و ذرات وجودی آن برای جامعه جهانی ملاک و هنجار پیروی واقع می‌شود.

مرجعیت جهانی برای یک کشور، جهان را تبدیل به دو قطب فرهنگی تحقیق و تقلید می‌کند جامعه‌ای که کاروان سالار سیر جهانی شده و فرهنگ تحقیق و پیشروی و سردمداری را رشد می‌دهد و تشویق می‌کند در واقع سایر ممالک جهانی را به دنبال خویش میکشد که در آنها فرهنگ تقلید حکومت می‌کند. اینچنین مرجعیتی، آرمان‌گایی کلیه کشورهایی است که برای وجود خویش صاحب ادعایی هستند.

پیامدهای اجتماعی عدم توجه به تیزهوش

جوامع بشری در قبال عدم پرورش و ملاحظه صحیح نسبت به تیزهوش دچار زیان‌هایی سنگین و مخاطره‌آمیز خواهند شد. در اینجا برخی از این پیامدهای منفی اشاره می‌شود:

۱- آسیب روانی تیزهوش

عدم توجه صحیح به نیازها و ارزشها و انگیزه‌های تیزهوش، برای وی اختلالات و آسیب‌هایی فراهم می‌آورد. برخی از مهمترین بیماریهایی که یک تیزهوش محروم و ناکام را تهدید می‌کنند، افسردگی شدید، اختلالات روان گسیختگی از نوع پارانوئید، پرخاشگری شدید و حالات نوروتیک هستند. حتی اگر چنین بیماریهایی تحقق نیابد تیزهوش در زندگی عادی خویش دچار معضلاتی خطرناک خواهد شد، که هوش برای رفع آنها، کمترین کفایتی را نخواهد داشت.

۲- بزهکاری اجتماعی

تیزهوش نه تنها به خود صدمه می‌زند بلکه می‌تواند منشاء آسیب‌های اجتماعی نیز باشد و این زمانی است که مورد عدم توجه ضروری جامعه قرار گیرد. بسیاری از آسیب‌های اجتماعی در سطح وسیع مانند جنایتها، سرقت‌های بزرگ، تروریسم و... محتاج نوعی توانایی خلاقیت و ابتکار برجسته است که صرفاً در توان یک فرد تیزهوش است.

امروز همه می‌دانند که مثلاً مؤسسين و رهبران مافیا و باصطلاح پدر خوانده‌ها از افراد تیزهوش برجسته با تحصیلات عالی بوده‌اند و می‌باشند.

به عنوان مثال یکی از نظریه پردازان بزرگ مافیا در اروپا، فرد نابعه‌ای است که در علم فیزیک دارای تحصیلات برجسته می‌باشد.

۳- استبداد سیاسی

سراسر تاریخ مشحون از رهبرانی دیکتاتور و مستبد است که سبعت و خون آشامی آنها نقاط عطفی در حیات بشر آفریده است. بی تردید قدرت رهبری بویژه در سطح کلان، نیازمند توان بالایی از هوش و استعداد ذهنی است. نمونه‌ای از این باب، هیتلر است که نه تنها یک تیزهوش بود بلکه توان رهبری و نفوذ اجتماعی وی هنوز موضوع مطالعات و تحقیقات گسترده در حوزه‌های روانشناسی، مدیریت و سیاست است.

هلاکت بیش از ۵۰ میلیون انسان و نابودی دهها کشور مختلف در سه قاره بزرگ خاطره‌ای غم بار و تکان دهنده برای بشریت ایجاد نمود که پس از نیم قرن پیامدهای زیانبار آن، جامعه بشری را رنج می‌دهد، تیزهوشانی مانند هیتلر و موسولینی نقش آفرینان اصلی چنین تراژدی بشری بودند.

۴- استعمار بشری

امروز بخش عظیمی از جهان بشری (یعنی جهان سوم) با بیش از ۴ میلیارد نفر کم و بیش تحت استعمار، بهره‌کشی و بیگاری سوداگران مالی، تراستها، کارتلها و شرکتهای غول‌آسای چند ملیتی قرار گرفته است. تاریخ غم‌بار آمریکای لاتین نمونه‌ای تأسف بار از چنین استثماری است. رهبری مالی و تجاری چنین حکومت اقتصادی جهان صرفاً از توانمندیهای ویژه یک تیزهوش بر می‌آید. در واقع تیزهوشان و نخبگان جامعه بشری، نبض اقتصادی و شریان مالی بشریت را در دست دارند.

۵- آسیب‌های ارزشی

نظام ارزشی، قوانین، هنجارها و حقوق اساسی جامعه جهانی که ناموس بشریت است در طی تاریخ، بی‌وقفه آماج هجوم، تاخت و تاز و غارت و تهدید برخی نیروهای شیطانی در قالب انسانی بوده است. برخی از این شیاطین انسی نه تنها در ناموس بشری دست برده‌اند بلکه این جسارت را به خود راه داده‌اند که به آئین تراشی، مکتب‌سازی و ارزش‌گذاری بشری پردازند و برای انسان، قانون وضع نمایند.

تاریخ بشری مملو از مصیبتی است که پیامدهای چنین جسارتها و هتک حرمتها بوده‌است در چنین عرصه دهشت باری نشانی از عقب ماندگان ذهنی و حتی افراد عادی یافت نمی‌شود بلکه تیزهوشان و نوابغی نمود می‌یابند که برای طبیعت بشری و اداره او، یاوه‌سرایی نموده‌اند.

۶- بحران اطلاعات

پس از جدایی علم از فلسفه و شکل‌گیری دوره رنسانس و بویژه در طی دو قرن اخیر دایره علم و دانش، آگاهی، و اطلاعات بشری آنچنان وسعت و عمق شگفت‌انگیزی یافت که هر شخص احساس نمود که مهار چنین مجموعه‌ای عظیم از داده‌ها و اطلاعات اگر بعید نباشد به سختی ممکن است.

امروز بشر در قبال چنین مهارهای احساس عجز می‌کند زیرا این گستردگی روز افزون بی‌وقفه ادامه دارد و این در حالی است که تمامیت بخشی و وحدت دادن به آنها، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

برای یک صاحب نظر مسائل تیزهوش، این امر بسادگی قابل فهم است که طبیعت چنین گسترده‌ای از اطلاعات که بشر را به وحشت انداخته است با ماهیت انگیزشی یک تیزهوش و فرد نخبه، سازگاری دارد. نیاز به کنجکاوی سیری‌ناپذیری که نه جهت را می‌شناسد و نه برای آن اهمیتی قائل است. این نیاز، اقتضا می‌کند که در درون موضوعات، پدیده‌ها، و وقایع تعمق نموده انبان بزرگ دیگری از اطلاعات بر اقیانوس عظیم و عمیق دانشها بیفزاید. خطر نه تنها در گستردگی و وسعت غیر قابل مهار اطلاعات، بلکه در جهت و سمت و اهداف پژوهشها نیز می‌باشد.

۷- تکنولوژی زیان بار

بر اساس عنوان پیشین (بحران اطلاعات) می‌توان بسادگی دریافت که تیزهوش چه نقشی در گسترش فن‌آوری و تجهیزات و منابع مادی زیان بار و خطر آفرین برای بشریت می‌تواند داشته باشد. تسلیحات هسته‌ای، نوترونی و شیمیایی، رشد صنایع مخرب محیط زیست و تحقیقات ژنتیکی ویژه تنها گوشه‌ای از آسیبهایی است که فن‌آوری جدید به بشریت وارد نموده است.

نتیجه‌گیری کلی

بر اساس مباحث پیشین، یک جامعه در قبال تیزهوش فقط دو راه دارد:

۱- شناسایی و جذب و پرورش ویژه

۲- عدم توجه لازم (بنابر غفلت، منروی سازی، و حتی موضعگیری خصمانه در برابر او)

انتظارات اجتماعی تیزهوش

برخورداری جامعه از مواهبی ویژه که در اختیار تیزهوش قرار گرفته است در گرو ارضاء مناسب نیازها، انگیزه‌ها و انتظارات اختصاصی تیزهوش است. انتظارات اجتماعی تیزهوش از انگیزه‌هایی ویژه نشأت می‌یابد که در اینجا به ترتیب برخی از آنها را مورد اشاره قرار می‌دهیم:

۱- پذیرش (۲۳٪)

مهمترین نیاز اجتماعی تیزهوش، نیاز به پذیرش وی از سوی جامعه است این نیاز با ۲۳٪ در اولویت قرار می‌گیرد. جامعه باید آغوش گرم خویش را برای جذب تمامیت وجودی تیزهوش بگشاید این پذیرش شامل نیازها، تواناییها، افکار، احساسات، عقاید و رفتارهای یک تیزهوش است. به نحوی که تبعیضی از سوی جامعه روا داشته نشود.

۲- تعدیل انتظارات جامعه (۱۳٪)

این نیاز با ۱۳٪ دومین انگیزه مهم تیزهوش است که جنبه اجتماعی دارد. او از مردم یک جامعه انتظار دارد که توقعات خویش را از وی در حد واقعیتها، استعدادها و علائق ویژه فرد تیزهوش تعدیل نمایند و سازش دهند. این امر شامل خانواده نیز می‌شود. انتظارات غیر واقع بینانه از تیزهوش، از لحاظ روانی و اجتماعی، وی را بسختی رنج می‌دهد و دچار مشکلاتی جدی در زندگی تحصیلی و شغلی می‌نماید.

۳- درک (۱۱٪)

این انگیزه با ۱۱٪ سومین رتبه را دارد. تیزهوش انتظار دارد که جامعه، درک صحیحی از پدیده و مفهوم تیزهوشی و شخص تیزهوش داشته باشد. این درک باید مبتنی بر اطلاعات و آگاهیهای واقع بینانه و حقیقی باشد.

۴- منزلت (۹٪)

نیاز به منزلت اجتماعی با ۹٪ در تیزهوش، اهمیت ویژه ای دارد. او انتظار دارد که در صحنه جامعه، موقعیت ویژه‌ای برای خویش فراهم سازد و این نقش و منزلت را جامعه به رسمیت بشناسد.

۵- پیشرفت (۸٪)

نیاز به ترقی و پیشرفت و موفقیت در تیزهوش، اهمیت حیاتی برای وضعیت روانی - اجتماعی وی دارد. این نیاز شامل مسائل اجتماعی نیز می‌گردد یعنی یک تیزهوش طبعاً شائق است که جامعه خویش را نیز با خود به پیش برد و ترقی بخشد اهمیت این امر برای یک جامعه بسیار شگرف است.

۶- اعتلای فرهنگی (۷٪)

تیزهوش انتظار دارد که فرهنگ، نظام ارزشی و هنجارهای جامعه‌اش، تعالی یابد مثل افزایش سطح سواد عمومی، و یا دوری از خرافات و توهمات بیهوده ای که جامعه را دچار تنگنای فرهنگی می‌سازد.

۷- محبت (۷٪)

نیاز به محبت و دوستی و صداقت و یگانگی از سوی جامعه اشاره به طبیعت انسانی مشترک تیزهوش با فرد عادی دارد.

۸- شناخت جامعه (۵٪)

تیزهوشان نیاز اساسی دارند که جامعه خویش را به خوبی بشناسند، ساختار وجودی، ماهیت انتظارات، انگیزه‌ها و نیازهای جامعه خویش را به درستی درک کنند و آگاهیهای صحیحی از آن به دست آورند.

۹- حمایت (۵٪)

تیزهوش نیاز دارد که جامعه از تواناییها، آرزوها و فعالیت‌هایش حمایت کند و این حمایت ممکن است از طریق جلب همکاری، ایجاد یگانگی، انجام راهنمایی و مشاوره‌های لازم و پشتیبانی مالی و مادی باشد. تیزهوش نیازمند به کمک جامعه است و در این امر، هوش به تنهایی کفایت نمی‌کند.

۱۰- احترام (۵٪)

ارج گذاری و ارزش نهادن به فعالیتها، افکار، احساسات، عقاید، هنجارها، و استعداد‌های تیزهوش از سوی جامعه، مورد نیاز اساسی تیزهوش است.

۱۱- استقلال (۴٪)

تیزهوش در عین نیاز به جامعه، مایل است استقلال و تمامیت فردی خود را در صحنه اجتماعی حفظ کند. تصمیمات و فعالیتها و ارزشهای فردی دال بر چنین نیازی است. بدین معنا که مرزهای رسمی و مورد احترام طرفین میان وی و جامعه برقرار شود که جامعه حتی‌الامکان به خود اجازه دخالت در امور شخصی وی نداده و در عقاید و ارزشهای وی تجسس ننماید و این حریم را به رسمیت بشناسد. نیاز به استقلال در تیزهوش از فرد عادی است.

۱۲- امنیت (۳٪)

نیاز به امنیت نیز امری مشترک است تیزهوش به عنوان یک انسان انتظار دارد که در محیطی با حاکمیت نظم، ثبات و آرامش بسر ببرد تا بتواند به قابلیتها و افکارش، تحقق بخشد.

۱۳- تعامل (۱٪)

فرد تیزهوش مایل است با جامعه خویش تعامل مناسبی برقرار سازد و معاشرت و مصاحبت نماید.

اصول سیاستگذاری برای تیزهوش

هرگونه تصمیم‌گیری و سیاستگذاری و تدوین استراتژی برای امور مربوط به تیزهوش، باید این موارد را در برگیرد: نظریه‌پردازی، هدف‌گذاری، نقش اجتماعی، تأمین منابع انسانی و مادی، سازمان‌دهی و تشکیلات، سیاستهای اجرایی (شامل عناصر تشخیص، جذب، آموزش، پرورش و اشتغال).

الف - نظریه پردازی و تعریف مفهوم

۱- تصور و دیدگاه روشن و دقیق از مفهوم تیزهوش و شخص تیزهوش برای هرگونه تصمیم‌گیری و سیاستگذاری، امری بنیادین است.

۲- در این راستا، ضرورت دارد مطالعات و تحقیقات کافی در مفاهیم روانشناختی تیزهوش بعمل آید.

ب - هدف گذاری

۳- آرمانها، منظورها، رسالتها و اهداف توجه به تیزهوش باید به روشنی تعیین گردد.

۴- جامعه باید در قبال امر نخبه گرایی و مساوات، و توجه یا انزوای تیزهوش تصمیم قاطع و روشنی بگیرد.

ج - تقویت نقش اجتماعی

۵- در توجه به تیزهوش، همیاری‌های همه جانبه و گسترده و کامل از سوی نهادهای اجتماعی، مدرسه، و خانواده امری

الزامی است.

۶- نهادهای ذیربط باید به بهسازی نقش اجتماعی و جایگاه تیزهوش در جامعه از طریق روابط عمومی مساعد و اصلاح

نگرشهای عامه مردم، اقدام نمایند.

د- تأمین منابع انسانی

۷- برای تأمین هیأت علمی و آموزشی ویژه، جذب منابع انسانی شایسته با تحصیلات تخصصی فوق‌العاده ضرورت دارد.

۸- برای هیأت علمی، وجود دوره‌های آموزشی و تربیتی ویژه به منظور ارتقای کیفی امر تعلیم و تربیت، امری الزامی است.

۹- برای نهادهای مسئول امور تیزهوش و استعداد‌های درخشان، وجود منابع انسانی اداری و اجرایی و ستادی ویژه، ضرورت دارد.

۱۰- معلمان به عنوان منابعی معتبر در تصمیم‌گیری‌های اساسی محسوب می‌شوند.

ه- تأمین منابع مادی

۱۱- تأمین معلم باید متناسب با نوع برنامه و استراتژی تربیتی باشد.

۱۲- جامعه، منبعی مناسب برای تأمین منابع مالی به طریق استقراض و یا سرمایه‌گذاری مردمی است.

۱۳- فضای آموزشی به‌ویژه باید دارای خصائصی متناسب با نیازها و توانایی‌های تیزهوش از لحاظ مادی باشد.

۱۴- وسایل کمک آموزشی ویژه که با استراتژی آموزشی مربوط، مناسبت داشته باشد الزامی است.

و- سازمان دهی

۱۵- جایگاه تشکیلات و نهادهای ذیربط در نظام اداری و تربیتی جامعه باید به روشنی مشخص شود.

۱۶- سیاست‌های اداری مربوط باید به نحو متمرکز و سراسری، کل جامعه را در برگیرد.

۱۷- خصوصیات تیزهوش اقتضا می‌کند تشکیلات و سازمان‌های اختصاصی پدید آید.

ز- سیاست‌های اجرایی

(ز-۱) تشخیص

۱۸- والدین، معلمان، آزمون‌های معتبر، و مصاحبه، ابزارهای اساسی در امر تشخیص هستند.

۱۹- در استعمال آزمون‌ها باید به مسائل اجتماعی، تربیتی و فرهنگی توجه نمود.

۲۰- به طور کلی، فرایند تشخیص، امری بسیار پیچیده و ناقص است.

۲۱- در هر گونه تشخیص باید به تنوع روشها و فنون مکمل و مجموعی توجه نمود.

(ز-۲) جذب

۲۲- هر گونه سیاست‌گذاری درباره تیزهوش باید از مقاطع پیش دبستانی آغاز شده و تا سطح اشتغال ادامه یابد.

(ز-۳) آموزش

۲۳- روشهای غنی‌سازی، تسریع تحصیلی و بویژه مطالعه و تربیت مستقل فردی به اقتضا باید در استراتژی‌های آموزشی گنجانده شود. (حتی الامکان بدون تفکیک)

۲۴- میان برنامه و دوره و محتویات باید نوعی توازن و تناسب وجود داشته باشد.

۲۵- برای تیزهوش به دلیل نیازهای ویژه، محتویات اختصاصی، امری الزامی است.

۲۶- استراتژی آموزشی باید به امر ارزشیابی و سنجش عملکرد و بازده تیزهوش توجه اساسی نماید.

(ز-۴) پرورش

۲۷- انتخاب استراتژی باید با ویژگی‌های روانشناختی تیزهوش سازگاری داشته باشد و به وسعت تفاوت‌های فردی توجه نماید.

۲۸- اقدامات و خدمات مشاوره‌ای، امری اساسی در فرایند پرورش تیزهوش است.

(ز-۵) اشتغال

۲۹- نیازهای ویژه تیزهوش اقتضا می‌کند که مشاغل و حرفه‌های متنوع و گسترده‌ای در سطح جامعه فراهم آید.

۳۰- تیزهوش در امر اشتغال نیاز به انعطاف‌پذیری سیاست‌گذاری‌های اجتماعی دارد.

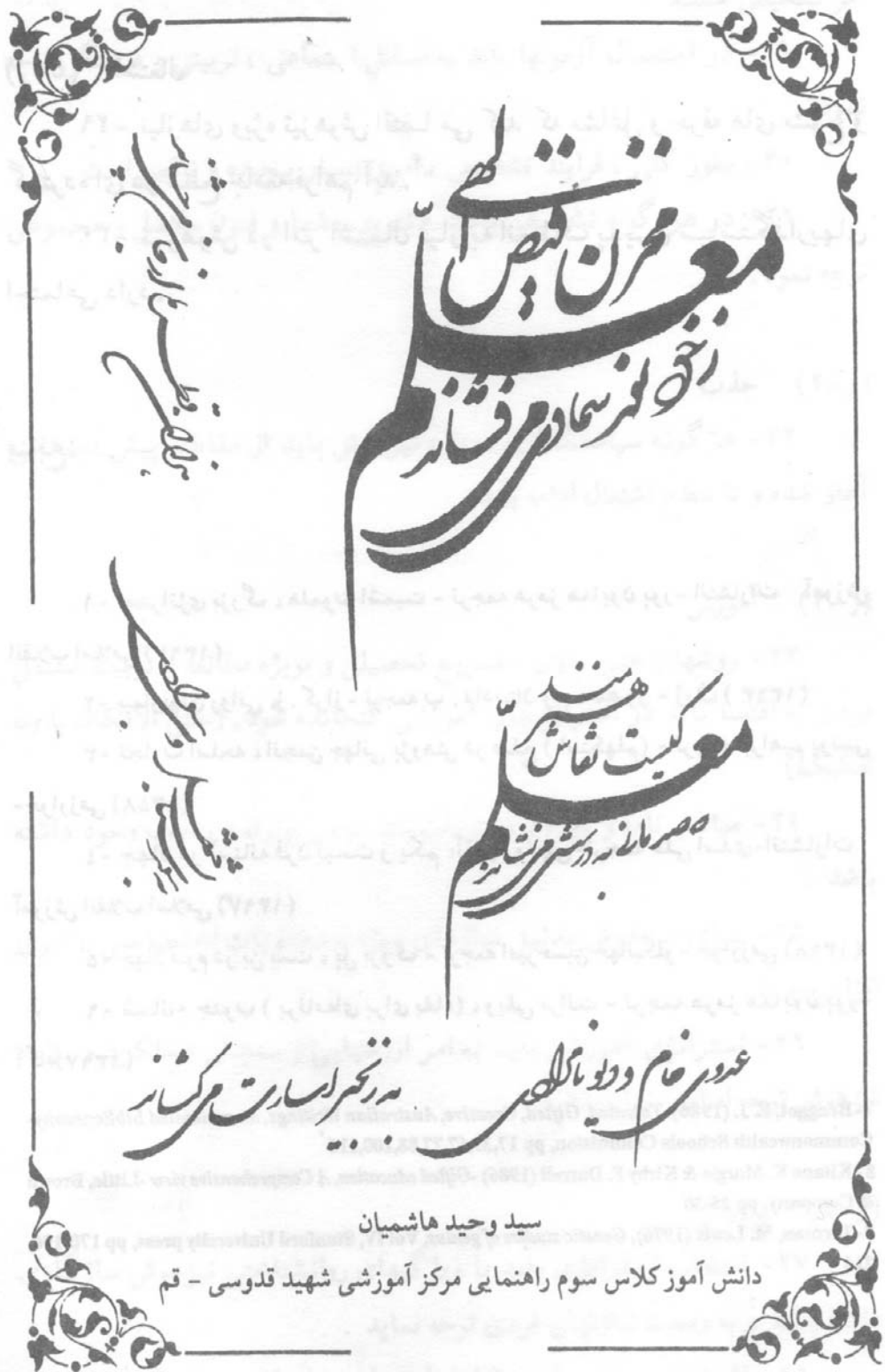
منابع

- هلموت اشمیت. (۱۳۶۷)، استراتژی بزرگ، ترجمه هرمز همایون پور- انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.

- ژ. کراز. (۱۳۶۳)، بیماری‌های روانی، ترجمه پ. دادستان و م. منصور- ژرف.

- تجارت اسلحه (۱۳۵۸)، انجمن جهانی پژوهش در صلح (استکهلم) - ترجمه ابراهیم یونسی - خوارزمی.
- آنورلیوچی. (۱۳۶۷)، جهان در آستانه قرن بیستم و یکم، ترجمه علی اسدی - انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- پل بروک. (۱۳۶۸)، جهان سوم در بن بست، ترجمه امیر حسین جهاننگلو - خوارزمی.
- ویلی برانت. (۱۳۶۷)، شمال - جنوب (برنامه ای برای بقا)، ترجمه هرمز همایون پور - آگاه.
- ۷- Bragget, E. J. (۱۹۸۶). *Talented, Gifted, Creative, Australian Writings, an annotated bibliography*—Commonwealth SchoolsCommision, pp ۱۷, ۳۶, ۶۷, ۷۷, ۸۸, ۱۰۰, ۱۱۶.
- ۸- Kitano K. Margie & Kirby F. Darrell. (۱۹۸۶). *Gifted education, A Comprehensive view*— Little, Brown & Company, pp ۲۵-۳۰.
- ۹- Terman, M. Lewis (۱۹۷۶). *Genetic studies of genius, Vol IV, Stanford University press*, pp ۱۷۰-۱۹۶, ۲۱۴.





سید وحید هاشمیان

دانش آموز کلاس سوم راهنمایی مرکز آموزشی شهید قدوسی - قم